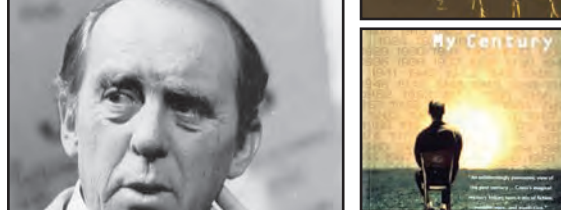


درنگی بر موضوع شناسی ادبیات، شعر و جنگ

این پلکان زخمی آواز

| دکتر مهدی زمانیان



بخش عمده‌ای از ادبیات آلمانی پس از جنگ را اعتراف به گناه و تعجب از این که چگونه ملت آلمان چشم‌پوشسته تسلیم افکار خرابکارانه و انسان‌ستیز حزب نازی شد، تشکیل می‌دهد.

با وقوف به گناه و مشاهده وضع موجود، انتقاد به خویشستان و از خویشستن و باینان جاهطلب و سوداگران بی‌شرم جنگ شدت می‌گیرد و بدبینی شگرفی بر سراسر اروپا و به ویژه آلمان سایه می‌افکند. شهرت «قرن اضطراب» و ایستن هیوآدن جهانگیر می‌شود و در آلمان خوانندگان فراوان می‌یابد. این بدبینی بی‌سابقه ایمن همگان را منززل ساخت و تمام ارزش‌ها را از اعتبار ساقط کرده است. دیگر به هیچ کس و هیچ چیز اعتمادی نیست. این پندار که انسان از عرش «الشرف مخلوقات بودن» سقوط



کرده، اصالت خود را از دست داده، به تمام سنت‌ها پشت پا زده و به مقام یک حیوان وحشی نزول کرده است. قوت می‌گیرد. دیگر هیچ حادثه و واقعه‌ای نمی‌تواند شگفت‌آور و تکان‌دهنده باشد چون که همه چیز امکان پذیر است و زندگی انسان‌ها بین این جنگ و آن جنگ خلاصه می‌شود. نویسندگان و شاعران پس از جنگ ابتدا بر آن بودند، شکافی را که در زمان حکومت دیکتاتوری هیتلر در ادبیات این کشور به وجود آمده بود پر کنند. برای این منظور انجمنی ادبی به نام «گروه ۴۷» به کمک هانس ورنر ریشر H.W. Richter به وجود آمد که گام‌های مؤثری در این راه برداشت. زنه وینتسنس René Wintzenz و مشاهده ویرانه‌های به نام مپهن، اعتراف به گناه، نفرت از بانیان سودجو و بی‌شرافت جنگ و همدردی با قربانیان

هشت سطر در میان؛ حکایت ما و زندگی

همه تجربه‌ای در حوزه زندگی است. به نظرم یکی از چشم‌اندازهای عمیق و بنیادین ادبیات، قدرت او در ظاهر شدنش در مقام یک رساله انتقادی است. ادبیات امروز رسانه‌های انتقادی است و موضوعش نیز انتقاد از جهان. چنین تجربه‌ای در شعر و شاعری را می‌توان به شکل بی‌درغش مدیون حساسیت‌های مدرانه جانوان یاد بسیمین بهیمنی بود. نقطه تأکید بسیمین بهیمنی در سرودن شعر و خاصه سرودن غزل، با مفهوم انسان بود. او لطایف شعری، سخن، آهنگ و زبان شعر را حن‌سنگت‌نامه‌جموعه‌ای از صفات و ویژگی‌های رفتار و اخلاق انسانی می‌دانست که هر آینه، بیم گم شدن و سقوطش به اعماق تیرگی‌ها می‌رفت. بی‌شک او یکی از جوان‌های شعر جنگ را سروده است.



کلماتی برای جنگ

| محمود وحید قاسمیان

گرفتند. به درستی نمی‌توان گفت نخستین کسانی که اولین شعرهای جنگ را در ایران سرودند چه کسانی بودند و اولین کسی که شعرش با موضوع جنگ منتشر شد چه کسی بود اما با توجه به این که این شاعران در محور توجه رسانه‌ها و تبلیغات و روابط عمومی جبهه‌ها بودند می‌توان صورت زبیر را در این رابطه بیان داشت. حلقه‌ای از شاعران که با هدف پرداختن به شعر جنگ دور هم جمع شدند و اندک‌اندک تشکل هنری ادبی را به وجود آوردند به ترتیب اجرای نقش مؤثرشان بر شعر پس از انقلاب عبارت‌اند از دکتر طاهره صفارزاده، علی موسوی گرمارودی، نصراله مردانی، حمید سبزواری، قیصر امین پور، علی معلم دامغانی، سید حسن حسینی سهیل نایب‌محمودی و ساعدباقری. این شاعران در همان روزهای آغازین جنگ شبکه‌ای از تولید شعر و سرودهای انقلابی و تهییج‌کننده را نیز دنبال می‌کردند. به تدریج گروهی از علاقه‌مندان به شعر و شاعری و جذبیت‌های شعر و ادبیات به این جمع پیوستند. کانون‌های ادبیات متعدد پا گرفت و در همین جمع‌ها، شعرهایی سروده



واقعی آن و بالاخره وحشت‌ناک تجدید این فجایع، زمینه‌های ادبیات آلمانی پس از جنگ را تشکیل می‌دهند. مذمت جنگ و وصف خرابی‌ها و مصیبت‌های ناشی از آن می‌نگاشتنند که در مجله‌های مختلف ادبی به چاپ می‌رسید.

گونتر گرویل Gunter Groll در مقدمه مجموعه شعر «از اعماق» می‌نویسد: «در هر شعر اصل موجودیت شاعر در ادبیات این کشور به وجود آمده بود پر کنند. برای این منظور انجمنی ادبی به نام «گروه ۴۷» به کمک هانس ورنر ریشر H.W. Richter به وجود آمد که گام‌های مؤثری در این راه برداشت. زنه وینتسنس René Wintzenz و مشاهده ویرانه‌های به نام مپهن، اعتراف به گناه، نفرت از بانیان سودجو و بی‌شرافت جنگ و همدردی با قربانیان

آن قدر مشهور شدند که در کتاب‌های درسی هم جاوش کنند و تنی چند از آنها نیز در دست‌انداختن روزگار و شعر و شاعری دو تاریخه شدند و در باگتانی قطعه‌ساز آوران و هنرمندان و شاعران آرمیدند. آنچه که از آن همه خاطر و کلمه به‌جسا مانده، زندگی امروز ماست. نسل‌هایی بی‌پایه و عصیان‌زده، ۸ سطر در میان، قادر به یادآوری خودش و صفحات زندگی پیشینیان خود نیست. در طول این مدت نزدیک به ۱۸۰۳ کتاب با موضوع شعر جنگ منتشر شده است و نزدیک به ۳ برابر این عدد نیز در گنج‌های خالی خانه شاعران ایران منظر انتشار مانده‌اند. در آلمان، نویسندگان آلمانی، پس از جنگ، به بازخوانی خود پرداختند و ادبیات پس از جنگ را ادبیات ویرانه‌ها پیش از آنچه که ادبیات جنگ خوانده می‌شود مورد اقبال عمومی است.

موضوع شعر جنگ، تبتانی تجربه‌های عاطفه انسان‌های جنگ‌زده با فوت‌وفن‌های شعر و شاعری است. امیدواریم روزی روزگاری، حافظه تاریخی ما بتواند سر حوصله‌ی اوقات تلخی و لاجت با خود و کلمات، به بازخوانی آن روزهای که رفتند بپردازد؛ روزهایی که بال پروانه‌های به‌شاری، عکس نوجوانان ما بود.

جنگ و پس از انقلاب اسلامی را دنبال می‌کردند. طیفی دیگر نیز جوانانی بودند که همراه با بازگشایی دانشگاه‌های کشور، امکان به وجود آمدن کانون‌های ادبی در سرزمینمان را فراهم آوردند. به زودی و طی سال‌های ۶۰ تا ۶۳ تعدادی قابل توجه علاقه‌مند به شعر و شاعری و ادبیات، بی‌یزیری شالوده ادبیات جنگ را امکان پذیر ساختند. عمده این دوستداران و مشتاقان ادبیات، دانشجویان بودند که نخستین پذیرفته‌شدگان دانشگاه‌های کشور پس از بسته شدن دانشگاه‌ها به خاطر انقلاب فرهنگی بودند. آن روزها صحبتی از عشق و عاشقی و کلمه‌بازی نبود. شعر که مایه نقشی که شاعر آن شعره، تا آن روز، هیچ شناختی از آن نداشت و حتی از زمینه تاریخی حماسه در ادبیات کلاسیک ایران نیز اطلاع چندانی نداشت. حماسه که یکی از معماران کاغذ بلند شعر فارسی یعنی حکیم فردوسی بنیان‌گذار آن بود در سیرری دیگر دنبال می‌شد؛ ایثار و شهادت. طی سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۷ که تئور شعرا و شعر جنگ ناز نفس افتاد، صدها تن از نوجوانان، جوانان، میانسالان و سالخورده‌گان آشنا با فنون و صناعات ادبی گونه‌ای از شعر فارسی را تجربه کردند که با عنوان‌های شعر جنگ، دفاع مقدس، پایداری و مقاومت از آنها یاد می‌شود. از آن‌جا که تنها چند شعر از خیل شاعران این قلمرو در رسانه‌ها و تریبون‌های تبلیغاتی به مردم عرضه شده است، شناخت عمومی از این شعر و شعرا نشان نیز محدود به رسانه‌های عمومی دولتی است. این عرصه از شعر، امروزه موضوع پایان‌نامه‌های تحصیلاتی دانشگاهی نیز است.

زیستن در زبان مادری

| فرهاد کریمی | روزنامه نگار

سهراب رحیمی، شاعر و مترجم متولد ۱۳۴۱ است. شعرهایش تاکنون به زبان‌های ترکی، آذری، عربی، انگلیسی، فارسی، اسپانیایی، فرانسوی، مقدونی، چینی، روسی، اوکراینی، دانمارکی و آلمانی ترجمه شده است. او در سال ۱۳۸۹ دایره جایزه شعر خیرنگاران ایران را برعهده داشت. در سال ۱۳۹۰ به عنوان داور با جایزه شعر لیرا و جایزه شعر نیما همکاری داشت و در سال ۱۳۹۱ داور دور نهایی جایزه شعر زنان ایران (خورشید) بود. وی در سال ۱۳۹۲ برنده نشان و جایزه بین‌المللی نیکلای گوگول از کشور اوکراین شد.

آقای رحیمی برایمان از شعر و تجربه شاعرانه زیستن در جهان امروز بگوید. اولاً باید عرض کنم، بومی بودن صرفاً به معنای زیستن در محل زبان مادری نیست. زبان مادری صرفاً تصارب زبان مادری نیست. زبان مادری بخشی از تجربه زیستن است. اکنون می‌توانم هر گاه که بخواهم به وطن پرواز کنم، تاکنون نیز دیدارهایی داشته‌ام. بنابراین همان‌طور که ملاحظه می‌فرمایید چندان هم از قافیه پرت نیستم. بومی سرزمین غربت شده‌ام. غربت در من ریشه زده و من هم در غربت ریشه زده‌ام.

شما را به عنوان شاعر در متن می‌شناسند نه یک راوی در حاشیه. در شعر از چه ابزاری استفاده می‌کنید تا بتوانید شعر را در جایگاه واقعی خود قرار دهید؟

سعی من همیشه این بوده که در متن حضور داشته باشم و همیشه هم از حاشیه‌سازی بیزار بوده‌ام. تمرکز من بیشتر روی زبان و تصویر بوده است. سعی کرده‌ام حتی امکان سیاسی اجتماعی ننویسم، چرا که در عمل به این نتیجه رسیدم که عمر این‌گونه شاعر خبری به کوتاهی همان اخباری است که این‌ها را می‌آورد. من معتقد به شعر هستم که به هسته و ذات جهان امروز و امروز جهان مانزدیکتر باشد و از طریق آن بتوان به هستی و جهان پیرامون، نگاهی همذات‌پندارانه داشت. معتقدم شعر باید بتواند مخاطب را به بردگری با اشیاء و جهان پیرامون بکشاند و خواننده‌اش را به فضای زندگی امروز نزدیکتر کند. معتقدم شعر امروز و نوشتار امروز باید بتواند از دنیای تکراری و ملال‌آور متن‌های کلاسیک عبور کند و جهان تازه‌ای را به خواننده کنجکار نشان دهد که بشود از درچه آن و به

موازشش تعریف جدیدتری از ادبیات و زندگی را تجربه کرد و نشان داد و زندگی کرد و شناخت.

تاریخ موجود در شعر ریاضت یک تاریخ جهانشمول و دارای گستره روایتی است، چقدر این روابط بین متنی موجود در شعرهای شما می‌تواند ابعاد معنایی جدیدی کشف کند؟

خب البته این را باید منتقدان جواب بدهند که آیا ابعاد جدیدی هم در شعرهای من و از طریق خوانش شعرهای من کشف شده یا نه. طبعاً فکر می‌کنم هر شعری اگر عمق داشته باشد و اگر شاعر هنگام آفرینش شعر از اعماق وجودش برای خلق اثر بهره جسته باشد و به زوایای پنهان خیال و زبان توجه داشته باشد و بتواند اثرش را طوری آرایه دهد که تعداد بیشتری خواننده بتوانند با آن همذات‌پنداری کنند، بی‌شک آن اثر، اثر موفقی است و توانسته ابعاد و معناهای نوینی را کشف کند و به خواننده آرایه دهد.

شعرهای شما و مخصوصاً کتاب «نامه‌ای برای تو» معناگر است که عمدتاً بر محور حس، عاطفه و خیالی غیر تشبیه‌گر می‌چرخد، زبان نیز در ساختار متغولی آرایه می‌شود. چگونه باید به آهنگ و آوازی و نوآوری‌های زبانی توجهی سالم نشان داد به طوری که از بازی‌های کسالت‌بار زبانی دور ماند؟

همان‌طور که در شعر من شاهد هستید به ندرت از بازی‌های زبانی استفاده می‌کنم. چون معتقدم آن فن هم در واقع نوعی چاشنی است برای شعر. چاشنی را هم اگر بیش از یک قاشق عسل بریزی دلت را می‌زند ما قرازی نیست خواننده را گول بزینم، خودمان را هم نمی‌خواهیم گول بزینم. حس، عاطفه، خوالی، معناگرایی، بازی زبانی، آهنگ و آوازی و دیگر نوآوری‌ها قرازی نیست به شکل یک بازی فرمالیستی ما را محدود کند به چند فن بیان. ما قرازی است در هنگام کشف فرم، نو کشف جهان تازه تصویر روایت تازه جهان و کلمه نیز بنکیم. هر چند همیشه حرف اول را فرم است که می‌زند چیزی که من هیچگاه نسبت به آن بی‌توجه نبودم. نگاه شما به محیط پیرامون، نگاه زنده، پویا و جست‌وجوگر است و در ایجاد رابطه بین پدیده‌های ذهنی و عینی نیز عمدتاً موفق. تجربه‌های زیستی پیرامونتان تا چه حد به هستی‌شناسی آثار شما کمک کرده است؟

سعی من همیشه حضور بی‌واسطه در هستی



فکر می‌کنم از دیدگاه آسیب‌شناسی، شعر ما دقیقاً از همین پاشنه آشیل، بیشترین ضربه‌ها را خورده است. وقتی وقتی مترجمی در انتشاراتی معروف، شعرهای شاعران جهان را تا حد درک فهم مردم پایین آورده و با زبان شیرین کوچه و بازار آن را به نگارش درآورده و سپس در تیراژ بالایی در بزرگترین انتشاراتی‌های این کشور منتشر می‌کند، نباید توقع درک بالاتری از شعر در این وضع داشت. این تجربه‌ها که در واقع هضم شده‌ان آثار نفیس جهانی هستند، این شبیهه را در ذهن شاعر جوان کنجکار ایرانی به وجود می‌آورد که به سرچشمه شعر جهان دسترسی یافته‌اند و خودشان را با آثار معروف جهان وفق می‌دهند و در نهایت آثاری تولید می‌کنند که نه عمق دارد و نه طول. البته نکته مدرن اما اتفاق افتاده و باعث شده شاعران معاصر عمدتاً آثار چندانی از شعر کلاسیک ما ندارند و این سهل‌انگاری و اتکا به سرعت و بی‌دقتی ناشی از چنین تفکری، راه را برای یک نوع ادبی شکل و وارفتگی فرهنگ می‌کند که هر چند وقت یکبار بوده اسم جدیدی برز می‌کند. شعر هفتاد، شعر هشتاد، شعر نود، شعر پست‌مدرن، شعر پسانیمایی، شعر آسان، شعر گفتار... که البته احتیاج به توضیح نیست که شعر همیشه یک سنت نوشتاری بوده و همیشه شاعران به اصولی‌ترین و اساسی‌ترین بخش روان انسان توجه داشته‌اند. همچنان که به گنجینه ادب پیشینیان نیز توجه داشته‌اند.

گفت و گو با سهراب رحیمی

کشف و گو

در اینجا

شاعر خند و روح صالح
دیر سر و سوس ادبیات

... یاران چه بریانه... می‌خواستم شعری برای جنگ بگویم... این پیروزی خجسته باد. باز آمد بهار... و صدها شعر از این دست، تجربه جدول ضرب کلماتی متقاطع از احساساتی است که در کارنامه شعر جنگ ایران مانده است. اما آیا شعر جنگ می‌تواند در موضوعاتی خاص و چند نام شاعر خلاصه بماند؟ آیا شاعرانی که در زمان انقلاب و جنگ تحمیلی، بر سکو ۴۰ سالگی ایستاده بودند شعر در باره جنگی که بر مردم و کشور ماتمیل شدند، سروده‌اند؟ باورق زدن روزنامه‌ها و مجلات و فرصت‌های موجود دهه ۶۰ می‌توان به این پرسش‌ها پاسخ دقیق داد. چرا که از همان آغاز، ماجرای ادبیات بر ریل بی‌اعتمادی و جداسازی رانده شده: هر کس که با ما نیست بر ماست! ادبیات در یک معادله پلای است که می‌تواند فرهنگ و جامعه را یک‌دیگر مرتبط سازد. فرهنگ زمینه و ادبیات فرایند شمرده می‌شود و در معادله ادبیات، آثار،